

کتاب و روزنامه، دو جلوه از عرضه دانسته‌ها و اطلاعات نوشتاری، به واسطه صنعت چاپ هستند. کتاب از قید زمان و موعد مشخص شده، خارج است و روزنامه که در فاصله روزهایی از هفته چاپ می‌شود، جلوه سوم عرضه دانسته‌ها و معلومات پراکنده در فاصله طولانی‌تر از روز و هفته است که به زبان فرانسه، مطبوعات دوره‌ای یا «Press Périodique»، و به عربی «صحف موقوتة» گفته می‌شود. مشخص‌ترین نوع این نشریه، «مجله» است که ماهیانه، سه ماهه، دو ماهه و شش ماهه چاپ می‌شود.

بیش از یکصد سال پیش، در بیروت کلمه «مجله» را که به معنی «صحیفه حکمت» یا نوشته دانش و خبر در فرهنگهای زبان عربی به کار می‌رفت، برای این نوع مطبوعات زمان‌دار، به کار بردند. «مجله» که مانند کلمه مظنه و مبره لفظی عربی الاصل و مشتق از ریشه جل، به نظر می‌رسد با توجه به معنی قبلی، مقصود از آن باید کلمه‌ای دخیل باشد، نه اصیل که از راه زبانهای آرامی، عبری و سریانی به عربی درآمده باشد. چه لفظی شبیه بدان «مزله» یا «مجیله» در زبان عبری، به کتاب «استر» از مجموعه عهد قدیم یا تورات، اطلاق می‌شود و «مجیله خوانی» در ماه آزار عبری، موافق فروردین فعلی، به یاد عید «هامان کشان» که در روزهای مختلفی از ماه اول سال جلالی، اتفاق می‌افتد و معروف اهل اطلاع است.

به هر صورت «ابراهیم یازجی» ادیب و لغوی معروف لبنانی، نخستین بار، این لفظ را از مورد خاص لغوی آن که «صحیفه

حکمت» باشد، برگرفت و در برابر مطبوعات دوری و زمان‌دار، به کاربرد و «مجله الطب بیروت» را در ۱۸۸۴ بدین نام انتشار داد، در صورتی که «مجله الجنان، والنحلة والنجاح و المقتطف»، چند سال پیش از این تاریخ، دوره انتشار خود را آغاز کرده بودند، ولی کلمه «مجله» را بعد از ۱۸۸۴ در معرفی شکل انتشار خود، به کار بردند.<sup>۱</sup> این نکته گفتنی است که، واژه، «مجله» در زبانهای عربی، ترکی و فارسی در برابر لفظ Review فرانسه به کار رفته است.

نخستین دوره‌نامه‌ای که در ایران، به نام و نشان و کیفیت انتشار یافت، «مجله بهار» است که به کوشش والای اعتصام‌الملک در ۱۳۲۸ ه. ق. (۱۲۸۹ خورشیدی)، آغاز به کار کرد. در سال ۱۳۲۵ و ۱۳۲۶، نشریه‌ای به نام «مجله استبداد» حامی و طرفدار مشروطه چاپ می‌شد، اما بدان‌گونه مجله‌ها، ربطی نداشت و در حقیقت نامی بی‌مورد بود.

در دوره ناصرالدین شاه روزنامه ملتی و روزنامه علمیه، روزنامه‌های علمی، مریخ، دانش و مجموعه گنجینه فنون عهد مظفری، از نظر محتوا و چگونگی انتشار در حکم مجله بودند، اما این نام را نداشتند. در حالی که روزنامه‌های ملتی و علمیه منتشر شده به صورت ماهانه و در فاصله ۱۲۸۷-۱۲۸۰، از نظر مندرجات خود، در سطح مجله‌های اختصاصی بودند و چندان تاریخ انتشارشان از «الجنان و المقتطف» بیروت، دیرتر نبود. با این همه چون به نام «مجله» موسوم نبودند، پس باید مجله بهار، را نخستین



## اطلس اثنی عشری

مقاله‌ها و دیدگاه روش‌شناختی به کار گرفته شده در این نمونه‌ها، توسط نویسندگانی که به سبک اروپایی در مدارس نوین ایران، یا غرب، درس خوانده بودند، به عاریه گرفته شد.<sup>۲</sup>

در چنین فضایی است که مجله بهار، متولد می‌شود. «قابل توجه‌ترین نشریه ادبی، بی‌تردید «بهار» است که توسط یوسف اعتصام‌الملک بنیاد نهاده شد. این نشریه سخت زیر نفوذ فرهنگ فرانسه بود و صفحه‌عنوانی به دو زبان فارسی و فرانسه داشت. درحقیقت میرزا یوسف اعتصام، ده سالی پیش از «جمال‌زاده» نابلوی بسیار غنی از فرهنگ و ادبیات اروپایی را به معاصران خود، عرضه داشته است.»<sup>۳</sup>

در کتاب **مطبوعات ایران** شناسنامه «مجله بهار» چنین آمده است:

«بهار (مجله) محل انتشار: تهران  
قطع: ۱۶/۵۰×۲۳

تعداد صفحات جلد اول ۵۱۵

تعداد صفحات جلد دوم ۵۸۰

تصویر: تنها عکس یوسف اعتصام‌الملک نویسنده مجله، در صفحات جلد اول و دوم آمده.

ناشر: ابوالفتح اعتصامی

نگارنده: مرحوم یوسف آشتیانی (اعتصام‌الملک آشتیانی)

مدیر: مدبرالممالک

نشریه فارسی دانست که به اسم و رسم و شکل مجله یا Review، در ایران منتشر شد.

نشریات دهه واپسین سلطنت قاجار، آینه بحران عمومی جامعه‌ای در حال دگرگونی است که در آن، ارزشهای سنتی مفاهیمی چون مذهب، حکومت، عدالت و رفتار روزمره تعریفی نو می‌یابند و این زمانی است که، نسل روشنفکران، یکسره بانیم قرن مبارزه علیه تحجر و استبداد، یکار می‌کنند. وجود نشریات ادبی، مستلزم نوعی حیات ادبی سازمان یافته و نزدیکی فکری گروهی بود که، از راه تأسیس چاپخانه، مدرسه و پیدایش ترجمه فراهم آمد و محیط فکری مساعدی پدید آورد.

نشریات فارسی نیز مانند دگرگونیهای اجتماعی دیگر، به تبعیت از الگوهای اروپایی، به وجود آمد. درون‌مایه و ساختار

نویسندگان: ابوالضیاء توفیق، محمد صادق، غلامرضا امیرحاجبی  
تاریخ انتشار مجدد جلد اول: مرداد ۱۳۲۱ ه. ش  
جلد دوم: اسفند ۱۳۲۱ ه. ش  
فاصله انتشار: ماهانه

نوع: مجموعه علمی، ادبی، اخلاقی، سیاسی، تاریخی، اجتماعی  
تمایلات: فرهنگ پرور و روشنفکر با تمایلات ضد استعماری و  
ترقی خواهی

موجودی: دوره کامل دوساله

ملاحظات: این مجموعه، دوجلدی تجدید چاپ شده مجله  
است، که شکل مجله تغییر کرده و مقالات نیز بر اساس موضوع  
تنظیم و چاپ شده است.<sup>۲</sup>

مجله بهار از اول اردیبهشت ماه ۸۳۲ جلالی،<sup>۵</sup> مطابق دهم  
ربیع الثانی ۱۳۲۸ ق منتشر می شود.

شماره اول آن در ۶۴ صفحه به قطع کوچک خشتی<sup>۶</sup> با چاپ  
سربی در مطبعه «فاروس» طبع شده و سال اول مجله با انتشار  
شماره ۱۲، مورخ ۲۵ ذی قعدة ۱۳۲۹ ق مطابق ۱۷ نوامبر ۱۹۱۱ میلادی  
خاتمه یافته است. مجموع صفحات سال اول، به غیر از فهرست  
مندرجات و غلطنامه ۷۶۸ صفحه است.

با نشر این ۱۲ شماره، مجله بهار، به مدت ۱۰ سال، چاپ شده  
است و برای بار دوم شماره اول سال دوم آن در اردیبهشت ماه  
۸۴۳ جلالی، مطابق شعبان ۱۳۳۹ ق، منتشر شده است.

«صاحب امتیاز و نگارنده مجله، یوسف اعتصام الملک بوده و  
پس از نشر چند شماره، مدیر اداره، مدیر الممالک معرفی گردیده. در  
سال دوم نیز در دو، سه شماره اول به جای مدیر الممالک، عباس  
خلیلی مدیر مجله، معرفی شده، ولی از شماره ۴ به بعد، تمام امور  
مجله، به عهده خود اعتصام الملک است. محل اداره مجله در سال  
اول، تهران، خیابان ناصریه، کتابخانه تربیت و چندی هم، در همین  
خیابان در اداره جریده تمدن بوده و سال دوم، مرتباً در سرچشمه  
واقع بوده است. مجله بهار از حیث طبع و کاغذ چندان مرغوب  
نیست.»<sup>۷</sup>

سالها بعد زمانی که مجله نایاب شده و خوانندگان مشتاق، در

آرزوی مطالعه آن بوده اند، ابوالفتح اعتصامی فرزند نگارنده، چاپ  
کامل و منقحی از آن ارائه می دهد. چاپ مجدد که به سال ۱۳۲۱  
برمی گردد، با عکس یوسف اعتصامی و زندگی نامه وی به قلم  
دهخدا، همراه است.

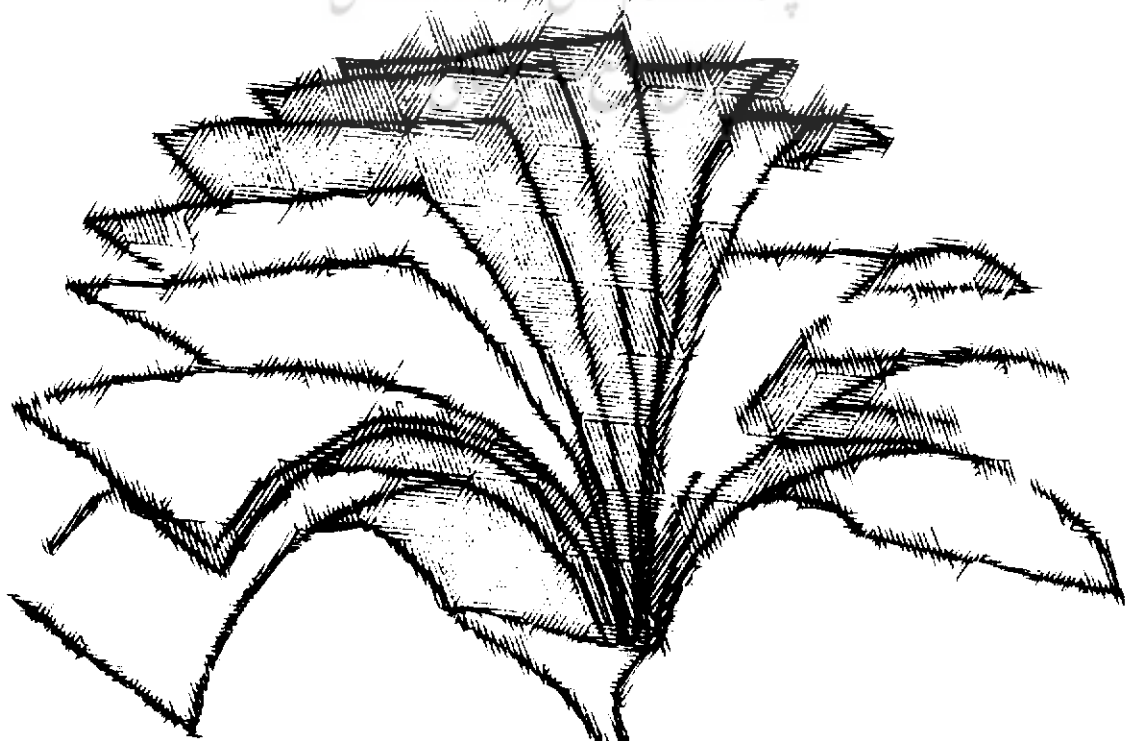
در این مجموعه کلیه مطالب مجلد اول و دوم، بر اساس  
موضوع، فهرست بندی شده است و از نظر زیرنویس و توضیحات  
پاورقیها، بسیار کامل و علمی است.

تمام پژوهندگانی که در تاریخ ادبیات معاصر دست به تحقیق  
زده اند اذعان دارند که مجله بهار، در ترویج انواع جدید ادبیات  
خدمت بزرگی انجام داده و به ویژه بر شاعران و نویسندگان جوان،  
تأثیری ژرف نهاده است.<sup>۸</sup> اسلوب انشای اعتصام، که بسیار سهل  
و ساده و گاه همچون نثر اروپایی، آهنگ دار و مهیج بود، سرمشق  
بسیاری از نویسندگان ایرانی، واقع شد.

از سوی دیگر، قطعات اشعار اروپایی که برای نخستین بار، در  
این مجله ترجمه و منتشر شد، توسط شاعران زمان، منظوم گردید و  
در تغییر اسلوب شعر فارسی اثر گذاشت. چند قطعه کوتاه ادبی که  
بیشتر ترجمه شعر اروپایی بود و در این مجله چاپ می شد، اغلب  
برای تازگی مضمون و مطلب، مورد توجه قرار می گرفت. به تقلید  
آنها، نوشتن قطعات منثور در زبان فارسی، رایج شد.

اعتصام الملک با تسلط کامل بر زبانهای فرانسه، ترکی  
استانبولی و عربی، در سراسر زندگی به کار ترجمه آثار ادبی  
پرداخت. بینوایان و ویکتور هوگو، آثاری از دوما، پونسون دوترای،  
ژول ورن، فلاماریون، ولتر اسکات، لئوپاردی و تولستوی را به  
فارسی برگردانده. افزون بر این موارد، مقالات بسیار متنوع نقد  
ادبی نیز در نشریه بهار، درج شده که درباره نویسندگان اروپایی،  
شکسپیر، ولتر، روسو و... است.

پیوستگی ارتباط اعتصام الملک با مجله های معروف عربی و  
ترکی که مرکز انتشار آنها، کتابخانه تربیت تبریز بود، وی را با  
«الهلال»، «الجامعه»، و «مجله المجلات» عربی که جنبه تاریخی و  
ادبی داشت بیش از «المقتطف» که مجله اهل علم بود، آشنا و  
مانوس کرده بود.



اعتصام با تحول اوضاع اجتماعی سیاسی، درحقیقت پیش از آغاز نهضت مشروطه، به تهران آمد. از اینکه در سالهای ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۷، اعتصام چه می کرده، آگاهی نداریم. به سال ۱۳۲۸ که در عرصه پویای روزنامه نگاری، روزنامه های معتبر سیاسی وزین و گرانقدری وجود یافت، اعتصام خلأ قلمرو مطبوعات کشور را، از وجود مجله ای نظیر مجلات مصر و اسلامبول احساس کرد و به تأسیس مجله بهار، همت گماشت.

اعتصام در سرمقاله شماره نخست مجله، خط مشی، مقصد و محیط نشر مجله بهار را این چنین بیان می کند:

«مقصود از تأسیس مجله بهار، این است که مطالب سودمند علمی و ادبی، اخلاقی، تاریخی، اقتصادی و فنون متنوعه را که امروز، دانستن آنها، دارای اهمیت بی شمار است، به طرز نیکو و اسلوبی مرغوب به انظار ارباب دانش، عرضه بدارد و تعمیم معارف را که اکسیر نیکبختی و مصدر زندگانی جاوید ملل متمدنه است، برعهده گرفته، افکار عمومی را با تعلیمات مفید، آشنا نماید.» محمد محیط طباطبایی در کتاب **تاریخ تحلیلی مطبوعات** درباره این مهم چنین داوری می کند:

«نگارنده بهار، انصافاً کاری را که در دیباچه مجموعه بر خوانندگان عرضه داشته بود، از طبع و نشر مطالب مفید در حدود قدرت محدود ادبی و قلمی و فراهم بودن وسایل، بر صفحات کوچک (محدود به ۶۴ صفحه) تطبیق کرده است. و هرگاه به عرض موضوعی علمی خواسته بپردازد، جنبه حسن بیان موضوع را، بر کار تحقیق و احاطه نظر علمی، برتری می دهد. آنچه حقیقتاً در مطبوعات زبان فارسی پیش از بهار، بدین نحو، قلمبند و عرضه شده بود، همانا معرفی نمونه های جالبی از ادبیات مغرب زمین بود که، برای هموطنان فارسی زبان ما ناشناخته مانده بود.»<sup>۹</sup>

درباره اهمیت نشریه بهار و نقش اساسی اعتصام الملک در ادبیات قرن بیستم ایران، نمی توان راه گزافه پیمود. کیفیت ترجمه های او، ظرافت سبک او و بالاتر از همه، روش تحلیل امروزی اش، تأثیر چشمگیری بر معاصرانش داشت. به ویژه «محمدتقی بهار» کوشید با نشر مجله دانشکده در سال ۱۷-۱۹۱۶ با همکاری اقبال آشتیانی، رشید یاسمی و علی اصغر حکمت، دنباله کار اعتصام الملک را بگیرد.<sup>۱۰</sup> چرا که مجله بهار، با مقاله های تاریخی و پرخواننده خود، مضامین پایان قرن ۱۹، را بسیار جالب منعکس می کند، مقاله هایی درباره: ناپلئون، لویی کبیر، پترکبیر، رقابتهای روس و انگلیس و...

بخش قابل توجهی، مختص مقالات اجتماعی با مضامین برانگیزاننده است که، نشان دهنده مشی ترقی خواهی حاکم بر نشریه است. مسایلی از قبیل: نقش زنان، بیداری مشرق زمین، حق اعتصاب، آموزش و پرورش کودکان، تاریخ مطبوعات و... به علاوه آثار ایرانیانی را در خود دارد که به شیوه ای نوین نوشته شده است، از قبیل اشعار دهخدا، حیدرعلی کمالی و پروین اعتصامی، چند داستان کوتاه از قبیل «بیچاره مادر» در قالب داستان کوتاه اروپایی و... که همگی برای خوانندگان ایرانی، تازگی بسیار و جذابیت فراوان داشته است.

اعتصام با ریزبینی و هوشمندی خاص خود، مشکلات دنیای مطبوعات را، به ویژه برای کسانی که قصد نوآوری و ابتکار دارند، چنین مطرح می کند:

«امروز که مطبوعات ما به وجود روزنامه های «ایران نو»، «شرق»، «مجلس»، «وقت»، «تمدن»<sup>۱۱</sup> افتخار می کند، گویا بی مناسبت نباشد که مجله بهار نیز جامه انتشار بپوشد و با قدمهای

آهسته، یعنی آن قدر که می تواند به تقدیم خدماتی که در نظر دارد مشغول شود. چقدر جای تأسف است که اغلب جراید مملکت ما، بعد از چند روز یا چند ماه در پس پرده تعطیل ابدی پنهان شده، به واسطه نداشتن مسلک مستقیم و فقدان میل عمومی جزاسمی بی مسما از خود چیزی باقی نمی گذارند. خریدار این کالای گرانبها در مملکت ما، کم است و اکثر اشخاص هنوز به لذت مطالعه جراید و مجلات ملتفت نشده اند و ضعف قوه مالی و پریشان حالی نیز، به سرحد کمال رسیده. مجله بهار محض جلوگیری از این ناخوشی مرمن، محض رهایی از موانع نشر و ترویج، تمام هم خود را مصروف این می دارد که، به قیمتی ازان فروخته شده، لایق استفاده عمومی باشد... (بنابراین) در طهران، قیمت هر نمره، یک قران و آبونمان سالیانه ۱۲ قران است و در خارج فقط کرایه پست، افزوده می شود.»<sup>۱۲</sup>

و از طرفی لزوم وجود این نشریه را چنین شرح می دهد: «در این موقع که روح حیات بخش آزادی، به کالبد بی توش و توان مملکت بازگشته، در این دوره تجدد، که هر ایرانی ایران دوست می خواهد به یک وسیله و تدبیری، اذهان هموطنان خود را به سوی علم و آگاهی دعوت کرده، چگونگی مسافرت در جاده تمدن حقیقی را به آنها بیاموزد، «مجله بهار» قدم به ساحت انتشار می گذارد. در صورتی که هیچ مجله، مجموعه، رساله موقوته بر آن سبقت نموده است.»

«صاحبان خیرت و بصیرت می دانند که، امروز جراید روزانه و هفتگی و مجلات ماهانه و نیم ماهانه و انواع وسایل موقوته در شاهره ترقی چه گامهای سریعی برمی دارند و چگونه عالم علم و ادب را با مشعلهای فروزان سعادت منور می کنند.»<sup>۱۳</sup> اما در نهایت، اعتصام به دلیل وجود مشکلاتی که در آغاز کار پیش بینی می کرد، نتوانست مجله را در ابتدای هر ماه منتشر کند و سرانجام هم با نشر شماره ۱۲ در ذی قعدة ۱۳۲۹، با دیرکرد ۶ ماه در یک سال، دوره نخست انتشارش را در همان ۷۶۸ صفحه وعده شده، به پایان رسانید.

احساس دشواری کار و به وجود آمدن مشکلات، ادامه عمل را در سال بعد میسر نکرد. دوره دوم مجله بهار طبق همان اساس و روش، یک دهه بعدتر منتشر شد و کار مطبوعاتی اعتصام بدان خاتمه یافت.

اگرچه اعتصام از روی نیاوردن مردم به خریدن و مطالعه مجله شکایت کرده، اما دوره اول مجله بهار به زودی از بازار خارج و در کتابخانه ها، جای می گیرد. محیط طباطبایی در این باره می نویسد: «پنجاه و پنج سال قبل، چنانکه به یاد دارم، در کتابفروشی های تهران، به ندرت از شماره های دست دوم آن، به دست می آمد، در صورتی که از شماره های دور دومش، تنها به طور پراکنده یافت می شد و این خود نشان می دهد که، از پرفروشترین مطبوعات نیم قرن پیش، محسوب می شد...»<sup>۱۴</sup>

از نخستین کسانی که، ارزش و اهمیت والای مجله بهار را متذکر شده اند، «محمدضیاء هشتروندی» در **منتخبات آثار** است که چنین می گوید:

«اعتصام الملک یک قیافه ادبی جدی و قور و مخصوصاً زبان بسیار شیوایی با یک منطق کامل به ما نشان می دهد. منطق کامل محوری است که تمام آثارش، بر دور آن چرخ می زند. هیچ کدام از نویسندگان معاصر را در استحکام سخن و منطق صحیح به پایه این نویسنده افسون کار، نمی رسد. حقیقتاً مشارالیه یکی از ارکان مهم تجدد ادبی، به شمار می رود.»<sup>۱۵</sup>

قابل توجه است که از تعداد ۱۹۱ صفحه کتاب، در حدود ۴۹ صفحه از (ص ۱۱ تا ۵۹) به اعتصام الملک و ذکر نمونه‌هایی از ترجمه یا تصنیفات وی در مجله بهار، اختصاص داده شده است. در حالی که تنها ۲۳ صفحه را به «نیما یوشیج» اختصاص داده، و از آنجا که کتاب ضیاء هشرودی، نخستین کتاب گزیده مطالب ادبی و آغازگر چنین آثاری است و از مهم‌ترین و معتبرترین کتب منتخب ادبی معاصر به شمار می‌رود، اهمیت فراوان «مجله بهار» را در عرصه ادبیات معاصر، بیان می‌کند.

اما از انتقادهایی که به مجله بهار وارد کرده‌اند، این است که مجله بهار، مجله‌ای غرب‌زده و آینه انعکاس ادبیات مغرب‌زمین است و به حدی شیفته آن فرهنگ و تفکر است که تمام مجله را به معرفی نویسندگان و آثار غربی اختصاص داده است. یوسف اعتصام که از طرفداران جهان‌شمولی ادبیات است، در پاسخ به اعتراض این افراد می‌گوید:

«در صورتی که آثار شعرا و نویسندگان بزرگ ما را، به السنه خارجی ترجمه کرده، کتابخانه معرفت دنیا را به پیرایه وجود خویش آراسته‌اند، آیا مناسب نیست ما نیز تا حدی شعرا و نویسندگان غرب را بشناسیم؟ اگر آسیایی از طرز نگارش اروپایی آگاه شود و در ادبیات ملل، تبعی کند، به جای سود، زیان می‌برد؟» همان‌طور که یک نفر فرانسوی، آلمانی، انگلیسی، ایتالیایی؛ ترجمه کلیات سعدی، دیوان حافظ، رباعیات خیام، شاهنامه فردوسی، خمسه نظامی را در زبان خود می‌خواند، آیا ممکن نیست، یک نفر ایرانی بخواهد از افکار شکسپیر، هوگو، شیلر، بایرون و دیگران مطلع شود؟»

«از هزارها کتب مفیده و نتایج قریحه‌های ممتاز که در آفاق وسیعه ادبیات نورافشانی می‌کند، در زبان فارسی چه دارید؟ هیچ!» «شما که عاشق بی‌قرار تجدید هستید و از کلاسیک و رمانتیک و سایر چیزها مذاکره می‌نمایید، از نفایس ادبیات غرب، برای شرقی چه ارمغان آورده‌اید؟ از خزاین روایت و دانش آن سامان، کدام تحفه ادبی را به معرض استفاده مشتاقان گذاشته‌اید؟» ویکتور هوگو می‌گوید:

«ادبیات راز نهانی تمدن است. شعر، سر مکتوم آمال است. به همین دلیل جمعیت بشری نیازمند ادبیات، هستند. به همین دلیل شعرا، تربیت کنندگان مردمند. به همین دلیل شکسپیر را در فرانسه، مولیر را در انگلیس، باید ترجمه نمود و به همین دلیل باید ساحت پهنای ادبیات را دارا باشد. به همین دلیل، محصول فکر شعرا و فلاسفه و متفکرین را باید توضیح و تفسیر کرد و منتشر ساخت، به طبع رسانید و به همه کس داد. به قیمت نازل فروخت و در مقابل هیچ، به همه توزیع کرد.»<sup>۱۶</sup>

دیدگاه مجله بهار، که همسویانه با اندیشه‌های ویکتور هوگو پیش می‌رود، در حقیقت فزاینده‌ای از نقاد ادبیات در روزگار نوین است:

«جهان‌شمولی ادبیات به معنای فراتر رفتن

آن، از مرزهای زبان اصلی و وارد شدن به حوزه ادبیات

و زبانهای دیگر است. جهانگیر شدن ادبیات، پدیده‌ای است کلی که در میان آثار ادبی دوره‌ای دوره‌های تاریخ پدید می‌آید و علت این پدیده، پیدایش عوامل ویژه‌ای است که ادبیات را، به فرارفتن از مرزهای قومی، وارد می‌کند و این برون‌مرزی، یا در راستای اثرگذاری بر روی ادبیات دیگر انجام می‌پذیرد یا به خاطر جستجو از عوامل بالندگی و پویا با کاروان جهانی ادبیات است، و از

پی آمده‌های این جهانگیری، دگرگونی و تحول کلی در جهان فکر و ادبیات می‌باشد.»<sup>۱۷</sup>

و این اعتقادی است که اعتصام دارد. «از مزایای مجله بهار، موضوع نقل و ترجمه است که با توجه به فقر علمی و ادبی و نبود نویسندگان صاحب نظر و آگاه، حتی برای نوشتن مهمترین موضوعات ادبی عصر، بهترین و نزدیکترین و ایمن‌ترین راه خدمتی بود، که در آن زمان انجام شد.»<sup>۱۸</sup>

البته بزرگ‌ترین انتقادی که می‌توان به نحوه کارکرد مجله بهار وارد کرد، این است که علاوه بر سکوت و خاموشی در برابر اوضاع داخل ایران، در آن روزهای پرماجرا و آشوب‌زده دوران مشروطه، به سابقه پرشکوه ادبیات فارسی و نیز جریانهای معاصر زبان فارسی در دوره خود بسیار بی‌اعتنا و بی‌مهر بوده است.

آنچه از مطالعه ژرف این مجموعه به نظر می‌رسد، این است که به هر حال، اعتصام الملک به شدت تحت تأثیر فرهنگ و دستاوردهای تمدن غربی است، و شیفته این امر که، ایرانیان نیز راه پیشرفت و تمدن را به همان شکل طی کنند.

تنها مواردی که در برابر خیل عظیم فهرست مطالب ترجمه‌ای و فرنگی مجله مربوط به فرهنگ ایران و اسلام است این نمونه‌ها هستند:

یادی از طالبوف، گزارش چاپ چهار مقاله عروضی به کوشش فروینی، ترجمه قرآن کریم به زبانهای شرقی و غربی، ترجمه‌ای از یک مقاله عربی درباره خیام، طب عربی در اروپا (که طبق روش فرنگیان، ایرانیها را عرب دانسته، از کتاب قانون ابن سینا در پزشکی غرب، با عنوان طب عربی، یاد می‌کند).

دیگر آنکه، اعتصام به منابع و مآخذی که از آنها نقل مطلب کرده است، در صدر یا ذیل مقاله‌ها اشاره‌ای نمی‌کند و تنها در اندک مواردی است که این مهم را رعایت کرده است.

«فضل الله گرگانی» بر این اساس، می‌گوید:

«سلسله مقالاتی در زمینه علوم تربیتی در مجله بهار در چند شماره چاپ شده، با عناوین «اراده مطلقه» و «تربیت اراده» که چون تصریح بر ترجمه نشده نامی هم از نویسنده اصلی، ذکر نگردیده بود. غالب خوانندگان آن را نوشته اعتصام الملک تشخیص دادند و حال آنکه واقعیت خلاف آن بود. از میان خوانندگان مجله بهار، کسانی به واقعیت امر پی بردند که در آن روزگار با مطبوعاتی که نوشته‌های پروفیسور معروف، پایو فرانسوی (Payot)، را طبع و نشر می‌کرد، آشنا بودند.»<sup>۱۹</sup> بدیهی است از اعتصام که با مجلات خارجی آشنایی کامل و وافر داشته است انتظار داشته باشیم این اصل را رعایت کرده و حق امانت را ادا می‌کرد.

الف و علاقه فراوان اعتصام به آثار ادبی اروپایی، به اندازه‌ای زیاد بود که حتی در قطعاتی که اشاره به منبع خارجی آن نشده، حال و هوای اروپایی به خوبی مشهود است. به عنوان نمونه در قطعه زیبای «زنگ و سندان» خواننده طنین نامتناهی زنگ را از میان برج مخروطی کلیسا به جای بانگ «الله اکبر» می‌شنود و در قطعه «نغمه پیراهن» زنی در روشنایی حزن‌آمیز ماه دسامبر (ونه آذرماه) تاروژی که پرستو آشیان خود را به کنار سقف بیابیزد، کار می‌کند...

به هر حال کوشش فراوان این دانشی مرد بزرگ را، برای ارتقای دیدگاه ایرانی و دگرگونی جامعه ارج می‌نهیم. چرا که به قول «آرین پور» «اعتصام با خواندن آثار اروپایی در مجلات «رسملی کتاب» و «الهلال» و... ممتع می‌شده و بعد خواسته است،



حظی را که خود برده با یک نزهت قلمی و لطف و اسلوب مخصوص، به هموطنان خود انتقال دهد و دنیای فارسی زبان را با آثار بزرگان علم و ادب آشنا سازد.<sup>۲۰</sup> و این در صورتی است که می دانیم، طبعاً افراد بسیاری در آن زمان، این نوع مجله ها را می خوانده اند و از نظر آشنایی با زبان خارجی، قادر به ترجمه نیز بوده اند، اما هیچ کدام همت این مرد بزرگ را نداشته اند.

سخن را در این مقال، با گفتاری از اعتصام به پایان می بریم که می گوید:

«هروقت از روی راستی به بسط دانش و فضیلت و تعمیم معارف افکار کوشیدیم و زندگی را عبارت از فهم و ادراک دانستیم، آن وقت می توانیم به رواج مطبوعات علمی و ادبی بی طرف، مطمئن شویم.»<sup>۲۱</sup>

#### پانویسها:

۱- محمد محیط طباطبایی، **تاریخ تحلیلی مطبوعات**، چاپ دوم، انتشارات بعثت، تهران ۱۳۷۵، صص ۲۳۳-۲۳۲؛ در ادامه چنین آمده است: «این لفظ در ترکی عثمانی، نخست در مورد مجموعه قوانین عدلیه معمول در محاکم رسمی، به صورت «مجله الاحکام» به کار برده می شد و بعداً در زبان ترکی هم به معنی نشریات زمان دار، مرسوم و معمول گردید. «مجله ثروت فنون» اسلامبول که نشریه ای وزین و پرمعنی و مهم بود، در پیش نویسندگان پارسی زبان ایرانی مقیم اسلامبول، معروف و مطلوب اتفاق افتاده بود. این مجله ترکی در داخل ایران هم، علاقمندانی داشت که مرحوم یوسف اعتصامی را باید یکی از آنان به شمار آورد.»

۲- برای نمونه به این موارد می توان اشاره کرد: **مجموعه اخلاق** که به سال ۱۳۲۳ هـ. ق/ ۱۹۰۵ م، توسط میرزاعلی اکبرخان شیدا منتشر شد، نشریه ای سیاسی و غیرمذهبی مختص مقولات اخلاقی و فلسفی بود. در سال ۱۳۲۵ هـ. ق/ ۱۹۰۷ م، در باکو نشریه **حقایق** که بیشتر جنبه ادبی داشت، به همت میرزاعلی محمدخان اویسی، منتشر شد، که مجله مصور ماهانه و شامل مقالات تاریخی متنوع سیاسی، ادبی و علمی بود، که برخی از فرانسه، ترجمه شد و نخستین ترجمه پاورقی را از ماجرای آرسن لوپن اثر «لابلانک» عرضه کرد.

۳- کریستف بالایی، میشل کویی پرس، **سرچشمه های داستان کوتاه فارسی**، ترجمه احمد کریمی حکاک، چاپ اول، انتشارات پایروس، تهران، ۱۳۶۶، ص ۴۸.

۴- **مطبوعات ایران**، فهرست تحلیلی کتابخانه مجلس سنا، انتشارات مؤسسه تحقیقات و برنامه ریزی آموزشی و علمی، تهران، ۱۳۵۸، ص ۵۱.

۵- تاریخ جلالی منسوب به سلطان جلال الدین ملکشاہ سلجوقی، که به همت حکیم عمرخیم و خواجه نظام الملک طوسی پدید آمد. مبدأ تقویم و سال جلالی روز جمعه دهم رمضان المبارک سال ۴۷۱ هـ. ق برابر با ۱۹ فروردین سال ۴۴۸ یزدگردی و ۱۵ مارس ۱۰۷۹ م است. اختلاف بین تاریخ هجری و تاریخ جلالی ۱۶۶۹۱۵ روز است، یعنی شروع تاریخ جلالی به تعداد ۱۶۶۹۱۵ روز بعد از سال هجری شمسی است. برای آگاهی بیشتر، ر.ک به:

هبة لله، ذوالفنون. «بررسی تقویم های متداول در جهان» رهنمون، ش ۶، پاییز ۷۲، صص ۱۴۱-۱۶۳.

۶- اصل مجله در قطع ۱۳×۱۹/۵ بوده است.

۷- یحیی آرزین پور، **از صبا تا نیما**، چاپ دوم، شرکت سهامی کتابهای جیبی، تهران ۱۳۵۱، ج ۲، صفحات ۱۱۵-۱۱۲.

۸- البته در معرفی **مجله بهار**، اطلاعات نادرستی منشأ برخی اشتباهها شده است. «پرویز ناتل خانلری» درباره **مجله بهار** در کنگره نخست نویسندگان ایران، به مطالبی اشاره کرده که در اصل نادرست هستند. از جمله اینکه تاریخ تأسیس **مجله بهار** را سال ۱۳۲۰ هـ. ق می داند، و حال آنکه سال تأسیس ۱۳۲۸ هـ. ق است.

به علاوه خانلری ترجمه منظومه «پادشاه و جام» را که ایرج میرزا، به شعر درآورده است، از اعتصام می داند، در حالی که اعتصام، مترجم اثر دیگری از شیلر، شاعر آلمانی است به نام «خدعه و عشق». دیگر آنکه خانلری، منظومه «ببچارگان ویکتور هوگو» را که «نصرالله فلسفی» به شعر فارسی برگردانده، در اصل ترجمه اعتصام می داند، در حالی که اعتصام، مترجم **تیره بختان یا بیبویان** ویکتور هوگو است و این دو، هیچ ربطی به هم ندارند و آثاری جداگانه اند. در سال ۳۱-۱۳۳۰، پایان نامه دوره دکتری ادبیات فارسی دانشگاه تهران، با عنوان «ادبیات دوره مشروطه» به راهنمایی لطفعلی صورنگر و به کوشش «عزت الله ضرغامفر» نوشته شده که عین مطالب خانلری در کنگره نویسندگان ۱۳۲۵ هـ. ش را نقل می کند و بدین ترتیب درباره **مجله بهار** یک سری اطلاعات نادرست به وجود می آید.

۹- محمد محیط طباطبایی، **تاریخ تحلیلی مطبوعات**، چاپ دوم، انتشارات بعثت، تهران، ص ۲۳۵.

۱۰- کریستف بالایی، میشل کویی پرس، **سرچشمه های داستان کوتاه فارسی**، ترجمه احمد کریمی حکاک، چاپ اول، انتشارات پایروس، تهران ۱۳۶۶، ص ۴۹.

۱۱- روزنامه های شرق، ایران نو، مجلس و تمدن معروف اند. روزنامه وقت که به مدیری و نگارندگی «میرزا حسین خان کسمایی»، همسر شمس کسمایی، در ۱۰ ربیع الثانی ۱۳۲۸ و مقارن انتشار اولین شماره **مجله بهار**، به صورت «روزانه» در تهران منتشر می شد و تا جمادی الثانی ۱۳۲۸، ۶۶ شماره آن به چاپ رسیده بود، از روزنامه های سرشناس وقت محسوب می شود.

۱۲- یوسف اعتصام الملک، مقدمه، **مجله بهار**، ش ۱، اردیبهشت ۱۳۲۸ هـ. ق، ص ۱.

۱۳- ایضاً ص ۳.

۱۴- محمد محیط طباطبایی، **تاریخ تحلیلی مطبوعات**، چاپ دوم، انتشارات بعثت، تهران ۱۳۷۵، ص ۲۳۷.

۱۵- محمدضیاء هشترودی، **منتخبات آثاری از نویسندگان و شعرای معاصرین**، چاپ دوم، مطبعه بروخیم، تهران ۱۳۴۲، ص ۱۱.

۱۶- یوسف اعتصامی، «مقاله اختتامیه» **مجله بهار**، ش ۱۲، ۱۳۰۰ ش.

۱۷- محمد غنیمی هلال، **تاریخ و تحول و اثرگذاری فرهنگ و ادب اسلامی**، ترجمه و تحشیه و تعلیق سیدمرتضی آیت الله زاده شیرازی، چاپ اول، انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۷۳، ص ۱۳۷.

۱۸- محمد محیط طباطبایی، **تاریخ تحلیلی مطبوعات**، چاپ دوم، انتشارات بعثت، تهران ۱۳۷۵، ص ۲۳۷.

۱۹- فضل الله گرگانی، **تهدمت شاعری**، تحقیقی در احوال و پژوهشی در دیوان اشعار پروین اعتصامی، چاپ اول، انتشارات روزنه، تهران، ۲۵۳۶، ص ۱۰۴.

۲۰- یحیی آرزین پور، **از صبا تا نیما**، چاپ دوم، شرکت سهامی کتابهای جیبی، تهران ۱۳۵۱، ج ۲، ص ۱۴۱.

۲۱- یوسف اعتصامی، «مقاله اختتامیه» **مجله بهار**، ش ۱۲.